

پرتوهایی از نور عارف

گزیده‌هایی از خطبه‌های جمعه‌های مبارک
سید حسن حنّامی (اعلی الله مقامه)

سید حسن حنّامی فضیلتی
بزرگ و عظیم دارد، و نسل
های آینده ناگزیر باید فضیلت
این مرد الهی عابد عارف را
بشناسند و با آن آشنا شوند.
(سید احمد الحسن)



تهیه و تنظیم:
جمعی از مؤمنان

پرتوهایی از نور عارف

گزیده‌هایی از خطبه‌های جمعه‌های مبارک
سید حسن حمای (اعلی الله مقامه)

تهیه و تنظیم

جمعی از مؤمنان

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (عج)

نام کتاب	پرتوهایی از نور عارف - گزیده خطبه‌های سید حسن حمامی
نام کتاب اصلی	قبسات من نور العارف - مقتبسات من خطب للسید الحمّامی
نویسنده	جمعی از مؤمنان
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام)
نوبت انتشار	اول
تاریخ انتشار	۱۴۰۴
تاریخ انتشار کتاب اصلی	۱۴۴۷ق/ ۲۰۲۵م
کد کتاب	۲۳۱
ویرایش ترجمه	اول

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن (علیه السلام)

به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co

www.almahdyoon.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۱۵.....	مقدمه.....
۱۹.....	پیام تسلیت سید احمد الحسن (علیه السلام).....
۲۳.....	گوشه‌ای از سیره سید حسن حمami.....
۲۳.....	گوشه‌ای از سیره او از زبان دکتر شیخ ناظم عقیلی.....
۲۵.....	من بوی یوسف (علیه السلام) را استشمام می‌کنم.....
۲۵.....	عبادت سید حسن حمami.....
۲۸.....	تواضع او.....
۲۹.....	شجاعت سید حسن حمami.....
۳۰.....	تسلیم و فرمانبرداری او در برابر آنچه از محمد و آل محمد (علیهم السلام) روایت می‌شود.....
۳۱.....	گوشه‌ای از سیره سید حسن حمami از زبان دکتر سید واثق الحسینی.....
۳۲.....	زندگی اولیای الهی آکنده از مصیبت‌هاست.....
۳۳.....	او سدی استوار بود.....
۳۳.....	مدیریت سید حسن حمami.....
۳۳.....	او دلیل نخواست.....
۳۴.....	سید حسن حمami عارف بود.....
۳۴.....	عبادت او.....
۳۵.....	گوشه‌ای از سیره سید حسن حمami از زبان شیخ حبیب سعیدی.....
۳۵.....	شیوه مدیریت مکتب مبارک.....
۳۶.....	شجاعت سید حسن حمami.....
۳۷.....	تواضع او.....
۳۷.....	بخشش و سخاوت سید حسن حمami.....
۳۷.....	مردی که جایگزین ندارد.....
۳۹.....	پرتوهای ایمانی معنوی.....
۳۹.....	مداومت در استغفار.....
۴۰.....	از معصیت‌های خلوت‌ها دوری کنید.....
۴۰.....	ظلم به خود.....
۴۰.....	به خودتان رحم کنید.....

- هرچه بکاری... آنجا درو می‌کنی..... ۴۱
- سخن معصوم کلیدهای قلب‌های شماست ۴۱
- رؤیای صادق، بهترین داستان‌هاست..... ۴۱
- به ریسمان استوار جنگ بزنید..... ۴۲
- بر دل‌هایی که قفل‌هایشان نهاده شده است ۴۲
- ظلم به امام، ظلم به خود است ۴۲
- سعادت‌مندی و کامیابی ۴۳
- بُعد اعتقادی و تکلیف الهی ۴۵
- دعوت به باری..... ۴۵
- نجات شما در عمل است..... ۴۶
- مانند راهبان نشوید..... ۴۶
- آراسته شدن به اخلاق وصیت..... ۴۶
- آیا حق امام را ادا کردی؟..... ۴۷
- زنده نگهداشتن جمعه..... ۴۷
- سخنان و علوم قائم (علیه السلام)..... ۴۷
- حیرت در برابر علم امام..... ۴۸
- انتساب به امام زمان ما ۴۸
- پیروزی آشکار..... ۴۸
- انتظار فرج ۴۹
- امام پایه و اساس اسلام است ۴۹
- وضعیت تکرار می‌شود ۴۹
- جنگ شما با شیطان است ۵۰
- غربال و تسلیم ۵۰
- یمانی راه هدایت است ۵۰
- بیاموزید، عمل کنید، و اخلاص داشته باشید ۵۱
- تشکر از تبلیغ‌کنندگان ۵۱
- سستی‌کنندگان در تبلیغ ۵۱
- انصار خدا ۵۲
- خود را آماده کنید ۵۲

۵۳.....	آیا فردا سرتراشیده خواهیم بود؟
۵۳.....	به سوی او هجرت کنید
۵۵.....	گزیده‌های اجتماعی
۵۵.....	به رغم مشغولیت‌ها... به آن‌ها رسیدگی کن
۵۶.....	جویای حال برادرانتان شوید
۵۶.....	مسئولیت اجتماعی
۵۶.....	به خاطر یتیمان و یتیم‌زنان
۵۷.....	سیره محمد وآل محمد (علیهم‌السلام) الگویی نیکوست
۵۷.....	ظلم به حجت خدا
۵۹.....	گزیده‌هایی درباره زنان
۵۹.....	تفاوت
۶۰.....	کار زن
۶۰.....	حقوق زن
۶۰.....	وظایف و حقوق
۶۱.....	نگاه اسلام به زن
۶۱.....	اسلام اولین مدافع زن
۶۱.....	علی (علیه‌السلام) و فاطمه (علیها‌السلام)
۶۲.....	زن در حکمرانی علی (علیه‌السلام) تحقیر نشد
۶۳.....	به این دلیل علی (علیه‌السلام) با فاطمه (علیها‌السلام) ازدواج کرد
۶۳.....	حق خوش رفتاری
۶۳.....	ام‌البنین، افتخاری برای زنان
۶۴.....	خوشا به حال ام‌البنین
۶۵.....	گزیده‌هایی از ارشادات تربیتی
۶۵.....	دعوت به مطالعه
۶۶.....	ماه رجب الحرام
۶۶.....	ولادت زهرا و مظلومیتش
۶۶.....	امام هادی (علیه‌السلام) تربیت‌کننده امت
۶۷.....	سازندگی معنوی به دست امام هادی (علیه‌السلام)
۶۷.....	به خدا پناه ببرید

گزیده‌های پایانی.....	۶۹
شما پیروزید.....	۶۹
ثبات قدم برای شیعیان زهرا (ع).....	۷۰
بر طریق احمد.....	۷۰

تقدیم

به سید احمد الحسن (علیه السلام)، که پرچم هدایت را به دوش کشید و
سخنانش چراغ راه مخلصان شد.

به روح آن عابدِ عارفِ عالمِ پاکِ مقدس و دلیرِ شجاع،
سید حسن حمامی، که گوهرهای حکمت را پراکند و با سخنانش
راه جویندگانِ حق را روشنایی بخشید.

به انصار حق، آن پویندگان این راه پربرکت، که خود را برای یاری
دین خدا وقف کردند؛ درحالی که از پروردگار می‌خواهیم آنان را
ثابت‌قدم گرداند و بهترین پاداش را به آنان عطا فرماید.

«سید حسن حمامی» فضیلتی بزرگ و عظیم دارد، و نسل‌های آینده
ناگزیر باید فضیلت این مرد الهی عابدِ عارف را بشناسند و با آن آشنا شوند.

سید احمد الحسن علیه السلام

مقدمه

سخن امام احمد الحسن علیه السلام در سوگ‌نامه آن مرد پاک و مقدس، سید حسن حمami (رضوان خدا بر او باد):

«و سلام بر آن عابدِ عارفِ عالم، سید حسن حمami در مقام و جایگاهی که در آن قرار دارد.»^۱

سخن امام علیه السلام معیاری برای مؤمن راستین به معنای حقیقی‌اش - به ما می‌دهد؛ زیرا او را چنین توصیف کرده است: «عابدِ عارفِ عالم»، و هریک از این سه واژه، کفه ترازوی بنده را سنگین می‌کند که آغاز آن با مفهوم بندگی خدا یعنی «عابد بودن»، و در نتیجه نفی اصداد از او، و اعلام کفر و بیزارى از آن‌هاست: ﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۲ (پس هرکس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به آن رشته استوار چنگ زده است که گسستنش نباشد؛ و خداوند شنوای داناست).

و با «علم» (عالم بودن) پایان می‌پذیرد؛ و آن (علم) ثمره گشوده شدن پرده‌های دل به روی معارف است، تا «دل» خزاندار علم معصوم گردد؛ پس او سرچشمه گشایش درهای نهفته‌ای است که در سراسر تاریخ بشر بسته مانده بوده؛ و این از بزرگ‌ترین مسئولیت‌هایی است که سید حسن با نهایت کارآمدی به آن عمل کرد؛ از این رو او علمای خاموش بی‌عمل را

۱. پیام تسلیت سید احمد الحسن به مناسبت رحلت عالم جلیل‌القدر پاک و مقدس، سید حسن حمami علیه السلام، در روز یکشنبه ۲۰۲۱/۸/۱.

۲. بقره: ۲۵۶.

۱۶..... انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - پرتوهایی از نور عارف، گزیده خطبه‌های سید حسن حنّامی

نکوهش می‌کرد و همه نیرو و توان خود را برای یاری دین و عطاء ثمره معرفت بسیج می‌نمود؛ به‌طوری که تقریباً هیچ لحظه‌ای از زندگی او خالی از تبلیغ نبود: در خطبه‌های جمعه، در گفت‌وگو با انصار، در مکتب مبارک، در خیابان عمومی، در مجالس عزاداری، در ادارات رسمی، در میان خویشان و خانواده‌اش، و حتی در بازداشت و در کنار زندانبانان نیز دعوت مبارک را با بی‌تکلفی و اعتماد و اطمینان کامل مطرح می‌کرد؛ و به این ترتیب شعار او همان شعار انبیا و فرستادگان و صدیقان بود و آن‌ها چه نیکو هم‌نشینی‌اند و همان شعار صالحانی بود که در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری نمی‌هراسند.

✓ شعار: ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾^۱ (پس به آنچه مأمور هستی اقدام کن)؛

✓ شعار: ﴿بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾^۲ (آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن)؛

✓ شعار: ﴿أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ﴾^۳ (پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برایتان خیرخواهی می‌کنم).

بنابراین... باید مسئولیت رساندن سیره آن مرد پاک و مقدس را به نسل‌های آینده به دوش خود گیریم، تا چراغی باشد که مؤمنان را در زمان‌های آینده به راه تمسک به فرستادگان هدایت‌یافته (مهدیون) رهنمون سازد. پس سپاس فراوان از همه کسانی که برای زنده نگه داشتن یاد عطرآگین او با این اثر مبارک به اذن خدا پیش قدم شدند؛ و از خداوند متعال می‌خواهیم این حلقه را کامل گرداند تا به سلسله‌ای از حلقه‌های آینده پیوسته شود که در آن‌ها حکمت‌ها و عبرت‌های فراوانی نهفته است.

در پایان با جمله‌ای که امام احمد الحسن (علیه السلام) در انتهای پیام تسلیتشان در حق سید پاک

۱. حجر: ۹۴.

۲. مائده: ۶۷.

۳. اعراف: ۶۲.

و مقدس «حسن حمای» بیان کرده است سخنم را به پایان می‌رسانم:

«سلام خدا بر تو، روزی که زاده شدی و روزی که خداوند تو را به‌سوی خودش برد، و روزی که زنده برانگیخته می‌شوی.

شهادت می‌دهم تو همراه انبیا و فرستادگان و راست‌گویان هستی؛ و آن‌ها چه نیکوهمراهانی هستند. از خداوند خواستارم تو را با آن اولیای طاهرت، محمد و آل محمد (صلوات خدا بر آنان) مبعوث کند؛ او سرپرست من است و شایستگان را سرپرستی می‌کند.»^۱

شیخ باسم القلاف

۲۰۲۵/۵/۱۲

[۱۴ ذی‌قعدة ۱۴۴۶ق / ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ش]

۱. پیام تسلیت سید احمد الحسن به‌مناسبت رحلت عالم جلیل‌القدر پاک و مقدس، سید حسن حمای رحمته‌الله، در روز یکشنبه ۲۰۲۱/۸/۱.

پیام تسلیت سید احمد الحسن علیّه السلام

سلام علیکم و رحمة الله و بركاته

سلام بر شما عزیزانم؛

و خداوند به همه شما به خاطر حضورتان و گوش سپردنتان پاداش نیک عطا فرماید؛

سلام و درود بر آن عابد عارف عالم «سید حسن حمامی» در جایگاهی که در آن قرار دارد:

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾، ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾، ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾
وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ
الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (هر نفسی مرگ را می‌چشد)،
(هر نفسی مرگ را می‌چشد)، (هر نفسی مرگ را می‌چشد؛ و شما پاداش خود را به‌طور
کامل در روز قیامت خواهید گرفت؛ پس آن کس که از آتش دور و به بهشت وارد شود
نجات یافته و رستگار شده است؛ و زندگی دنیا جز کالای فریب نیست)؛ (و زندگی دنیا
جز کالای فریب نیست).

سید حسن حمامی فضیلتی بزرگ و عظیم دارد، و نسل‌های آینده ناگزیر باید
فضیلت این مرد الهی عابد عارف را بشناسند و با آن آشنا شوند.

اولین مرتبه‌ای که «سید حسن حمامی» را ملاقات کردم، مدتی بعد از سال ۲۰۰۳ بود؛ یعنی پس از سقوط نظام جنایت‌پیشه صدام. او با من در خانه‌ام دیدار کرد تا

ایمانش را به من اعلام کند؛ و حقیقتاً به یاد ندارم فرد دیگری این کار را انجام داده باشد؛ زیرا در آن زمان افرادی که ایمان می‌آوردند یا ایمانشان را اعلام می‌کردند، مرا در مکتب ملاقات می‌کردند که در آن زمان در دفتر شیخ حبیب مختار (حفظه الله) بود.

در ابتدای امر، روزی پس از نماز صبح سجده شکر به جا آوردم؛ در همان حال خواب سبکی (چرتی) مرا فرا گرفت، و در سجده رؤیایی دیدم. در عالم رؤیا مرحوم سید محمد علی حنّامی (رحمه الله) را دیدم، و او یکی از مراجع بزرگ در نجف اشرف بود. صندلی و دفتری آورد و او در وسط «شارع الرسول» [خیابان معروفی در نجف] نشست، و ایمان خود را به دعوت مهدوی اعلام، و مردم را دعوت می‌کرد، و برای آن‌ها دلیل می‌آورد و حق را برای آن‌ها روشن می‌ساخت؛ و زمانی که این رؤیا را دیدم مرحوم سید محمد علی حنّامی درگذشته بود.

مدتی پس از این رؤیا، شیخ حازم مختار (حفظه الله) نزد من آمد و گفت «سید حسن حنّامی» پسر مرجع «محمد علی حنّامی» به دعوت مبارک مهدوی مؤمن است و می‌خواهد با شما ملاقات کند. خداوند خواست این دیدار در خانه‌ام انجام شود که در آن زمان دیوار به دیوار مسجد سهله بود.

هنگامی که مرحوم سید حسن را دیدم - این نکته‌ای است که می‌خواهم در اینجا بیان کنم تا برتری و فضیلت این انسان طاهر و عارف را بدانید - او از من ادله‌ای درخواست نکرد و درباره ادله سؤالی نپرسید و درباره هیچ چیزی به بحث نپرداخت، بلکه مرتب به محمد و آل محمد صلوات می‌فرستاد؛ و رو به من کرد و گفت: «من از مدت‌ها پیش منتظر شما بودم. سپاس خدایی را که توفیق شناخت شما و ایمان به شما را به من عطا فرمود.»

این خلاصه‌ای بود از آنچه او گفت. رؤیایی را که درباره پدرش دیده بودم ... بعدها رؤیایی را که درباره پدرش دیده بودم برای او تعریف کردم، و از این بابت خوشحال

شد؛ رحمت خدا بر او.

طبیعتاً تأویل آن رؤیا دربارهٔ خود سید حسن است (رحمت خدا بر او)؛ زیرا پس از ایمان آوردنش به دعوت مهدوی مبارک، او کسی بود که در این امر جایگاه پدرش را بر عهده گرفت.

مرحوم «سید حسن حمامی» پس از درگذشت پدرش دفتر او را اداره می‌کرد و برخی از دروس حوزوی را نیز در دفتر پدر مرحومش تدریس می‌کرد؛ بنابراین از من پرسید آیا باید دفتر پدرش و تدریس در حوزه را رها کند و در خانه‌اش بنشیند؟! من از او خواستم همان کاری را که انجام می‌دهد ادامه دهد، و او مدتی به همان کار ادامه داد؛ اما پس از مدتی، باندهای احزابی که بر «نجف» حاکم بودند و آن را در اختیار داشتند به مکتب یورش بردند و سید حسن حمامی و همه مؤمنان و طلاب حوزه مهدوی را که در دفتر حضور داشتند بدون هیچ حقی بازداشت کردند.

حقیقت این است که این نظام ناکام و درمانده‌ای که آن‌ها بنا نهادند همین‌گونه است؛ چراکه از همان آغاز، به شیوهٔ باندها و راهزنان عمل کرده است.

به‌راستی این دلاورمرد نجیب و شجاع و صاحب خُلق والا، رنج بازداشت‌های پیاپی را از سوی پست‌ترین و فرومایه‌ترین مردم تحمل کرد؛ همان کسانی که امروز مردم آن‌ها را به‌عنوان گروهی از فاسدان، دزدها و قاتلان می‌شناسند؛ اما در آن زمان «سید حسن حمامی» (خدا مقامش را رفیع گرداند) به‌تنهایی فریاد برآورد، و او و شمار اندکی که با او بودند فریاد اعتراض سر دادند؛ زیرا اکثریت قاطع مردم در مستی [غفلت] به سر می‌بردند و تحت تأثیر رجال دینی دیگری قرار داشتند که از همین فاسدان و قاتلان حمایت کرده و آن‌ها را به مسند قدرت و حکمرانی بر عراق رسانده بودند؛ خواه از روی نادانی و بدون قصد، یا آگاهانه و با قصد و نیت.

سید حسن حمامی رحمته‌الله تبعات و پیامدهای ایمان خود به دعوت مهدوی مبارک را

تحمل کرد؛ و از همین رو طغیانگران بار پیامدهای هر سخنی را که من گفته بودم و هر اعتراضی را که متوجه احزاب فساد و جنایت‌پیشه در عراق کرده بودم بر دوش او نهادند.

او به‌خاطر من و به‌خاطر سخنانم و آنچه گفته بودم بسیار تحمل کرد و بسیار رنج کشید؛ و این حقیقتاً برای من همواره و بسیار مایهٔ اندوه بوده است. من هرگز نخواستهم... [با حالت بغض‌آلود] ... من هرگز نخواستهم کسی به‌سبب من دچار رنج و سختی شود، به‌خصوص سید حسن حمّامی؛ اما خداوند امری دارد که خود به انجامش می‌رساند.

خدا رحمتت کند ابومرتضی، عزیز من ابو... عزیز من ابومرتضی، ما به پایان راه رسیدیم، اما تو شتابان زودتر فرود آمدی [چه زود از دنیا رفتی]. سلام خدا بر تو روزی که زاده شدی، و روزی که خداوند تو را به‌سوی خودش باز پس گرفت، و روزی که زنده مبعوث می‌شوی.

گواهی می‌دهم تو با انبیا و مرسلین و صدیقین هستی؛ و آن‌ها چه نیکوریفقانی‌اند. از خدا می‌خواهم تو را با اولیای طاهرت محمد و آل‌محمد (صلوات خدا بر آنان) مبعوث گرداند؛ او ولیّ من است و شایستگان را سرپرستی می‌کند. سلام بر شما ای عزیزانم، و رحمت خدا و برکاتش.

پیام تسلیت سید احمد الحسن به‌مناسبت رحلت عالم طاهر مقدس سید حسن حمّامی (رحمه‌الله)، یکشنبه ۲۰۲۱/۸/۱ [۱۰ مرداد ۱۴۰۰ ش]

[مشاهدهٔ ویدیوی پیام](#)

گوشه‌ای از سیره سید حسن حمامی

گوشه‌ای از سیره او از زبان دکتر شیخ ناظم عقیلی

سید حسن حمامی رحمته الله به همراه و بعد از پدرش مرحوم سید محمدعلی حمامی - در حوزه علمیه نجف بود؛ و دفتر یا مکتب مرحوم سید محمدعلی حمامی رحمته الله نزدیک حرم امیرالمؤمنین علیه السلام قرار داشت. واقعیت این است که بنده پیش از دعوت مبارک در حوزه علمیه بودم و ارتباط خاصی با سید حسن حمامی نداشتم، اما شناختی کلی از ایشان داشتم. ما در صحن حیدری مقدس نماز می‌خواندیم، در سمت چپ باب‌القبله نماز می‌خواندیم، و نماز جماعت در آنجا برپا بود. همچنین نماز مغرب و عشا در سمت راست صحن حیدری مقدس از سمت باب‌القبله به صورت جماعت برگزار می‌شد. این جماعت به امامت سید حسن حمامی پس از پدرش مرحوم سید محمد علی حمامی رحمته الله - اقامه می‌شد و من صف‌های نماز را می‌دیدم. سمت راست صحن [حیدری مقدس] تقریباً از نمازگزارانی که پشت سر سید حسن حمامی به جماعت می‌ایستادند پر می‌شد؛ و شاید عکس‌های قدیمی را که این صحنه را ثبت کرده‌اند دیده باشید.

بعدها کمی از چگونگی رفتار سید حسن حمامی رحمته الله در حوزه علمیه آگاه شدم؛ ایشان حقیقتاً با فقرا و مسکینان بسیار مهربان بود؛ و خانواده‌های بی‌سرپرست و یتیمانی بودند که او از آن‌ها حمایت می‌کرد و به آن‌ها کمک می‌کرد؛ رحمت خدا بر او؛ و همیشه به طلاب حوزه علمیه - چه فقرا و چه کسانی که درآمد محدودی داشتند - رسیدگی می‌کرد و به آن‌ها توجه داشت. بارها به من گفته بود او (رحمت خدا بر او) منتظر نمی‌ماند تا آن‌ها به سوبش بیایند و از او درخواست کمک مالی کنند. هرگاه آن‌ها را می‌دید با اشاره دعوتشان می‌کرد نزدیک شوند

و احوالشان را جویا می‌شد و به وضعیتشان رسیدگی می‌کرد؛ و با لهجه عامیانه می‌پرسید: «اوضاع چطوریه؟ وضع جیب چطوریه؟ وضع مخارج خنوادت چطوریه؟» سپس مبالغی برای بهبود وضعیت معیشتی‌شان به آن‌ها می‌داد.

او در حوزه علمیه نزد عموم طلاب و شخصیت‌های حوزه محبوب بود، و چنین باقی ماند... تا آنجا که وقتی به دعوت مبارک ایمان آورد، دیدم برخی از طلاب حوزه علمیه چگونه به سید حسن حمّامی دل‌بسته بودند. به یاد دارم روزی برای زیارت امیرالمؤمنین همراه با موکبی از انصار به‌صورت پیاده از حسینیّه انصار امام مهدی حرکت کردیم و سید حسن حمّامی نیز با ما بود. هنگامی که راه می‌رفتیم برخی از طلاب حوزه علمیه می‌آمدند؛ بعضی از آنان در مسیر با سید حسن حمّامی همراه می‌شدند و با اشتیاق و شوق با او سخن می‌گفتند و به او دل‌بسته بودند؛ گویی ... سید حسن حمّامی پدر آنان بود.

طلاب حوزه علمیه‌ای که سید حسن حمّامی با آنان به نیکی رفتار می‌کرد، پس از ایمان او به دعوت مبارک نیز همچنان سید حسن حمّامی را دوست داشتند.

به هر حال هیچ شائبه‌ای نه در رفتار سید حسن حمّامی در حوزه علمیه، و نه در رفتار پدرش سید محمد علی حمّامی (رحمه الله) وجود نداشت.

یکی از مؤمنان -خدا توفیقش دهد- او را چنین توصیف می‌کند و می‌گوید: برای نخستین بار بود که با چنین شخصی دیدار می‌کردم؛ نه معاند بود، نه لجوج، و نه اهل جدال. با آرامش و دقت به همه آنچه می‌گفتم گوش می‌داد و گاهی بدون تعصب، چند پرسش -چه بسا ساده- مطرح می‌کرد؛ یعنی حقیقتاً مردی در اوج اخلاق بود؛ رحمت خدا بر او باد.

و می‌گوید در یکی از دفعات، هنگامی که از نزد او بیرون آمدم به من گفت: «به دیدنم بیا، مرا ترک نکن؛ من تشنه دیدارم.»

من بوی یوسف علیه السلام را استشمام می‌کنم

... سپس همان‌گونه که سید احمد الحسن فرموده است، شیخ حازم مختار (خدا توفیقش دهد) به ایشان خبر داد سید حسن حمّامی خواستار دیدار اوست. برادران مؤمن نقل می‌کنند: وقتی نزد او رفتیم و گفتیم می‌خواهیم با ما به جایی بیایی، به آنان گفت: ﴿إِنِّي لَأَشْمُ رِيحَ يُوسُفَ﴾ (من بوی یوسف را استشمام می‌کنم). برادران از این سخن شگفت‌زده شدند، اما چیزی به او نگفتند و او را آگاه نکردند؛ زیرا به دلیل اوضاع امنیتی و شرایط دیگر اجازه نداشتند بگویند سید احمد الحسن ما را به‌سوی تو فرستاده است. به او گفتند: نه، کار مشخصی با تو داریم؛ با ما بیا. پس از آن هنگامی که دیدار انجام شد از او پرسیدند: چگونه دانستی سید احمد الحسن می‌خواهد با تو دیدار کند؟ به آنان گفت: من در برابر آینه وضو می‌گرفتم که تصویر سید احمد الحسن را در آینه دیدم و دانستم با سید احمد الحسن دیدار خواهم کرد. من این را بیش از یک مرتبه از خود سید حسن حمّامی نیز شنیدم؛ رحمت خدا بر او باد...

عبادت سید حسن حمّامی

آن فقید پاک و طاهر ما که دل‌هایمان را به درد آورد و اندوهی بر جای گذاشت که پس از آن اندوهی نیست... رحمت خدا بر او باد، همواره به یاد خداوند عزوجل بود، بسیار بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات می‌فرستاد، هم‌نشین قرآن کریم بود، و در تمامی امور و حالاتش بسیار استخاره می‌گرفت، به دعاها مداومت داشت، به‌ویژه پس از هر نماز. بسیار مراقب وقت‌های نماز بود، و رحمت خدا بر او باد. همواره با طهارت و دائماً با وضو بود و به پاکیزگی بسیار اهمیت می‌داد. او دل‌بسته و شیفته زیارت امام حسین علیه السلام و مجالس حسینی بود. او رحمت خدا بر او باد. بر زیارت امام حسین، به‌ویژه زیارت عاشورا مداومت داشت. پس از نمازها به‌خصوص نمازهای جماعت. زیارت امام حسین را به‌صورت زیارت جمعی انجام می‌داد؛ زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر امامان را به جا می‌آورد، و ادعیه می‌خواند، به‌ویژه دعای «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن» را همواره می‌خواند و از انصار می‌خواست آن را به‌صورت جمعی

۲۶..... انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - پرتوهایی از نور عارف، گزیده خطبه‌های سید حسن حنّامی

با او بخوانند؛ دعایی که در پایانش آمده است: «و تجعله و ذریته من الأئمة الوارثین» (و او و نسلش را از امامان وارث قرار بده)، و این دعایی ویژه برای امام مهدی (علیه السلام) است.

او بسیار مشتاق حضور در مجالس عزای اباعبدالله حسین (علیه السلام) و دیگر امامان بود؛ برای این مجالس احترام بسیاری قائل بود، و در حقیقت شمع مجلس و هیبت مجلس و جلوه مجلس به‌شمار می‌آمد؛ رحمت خدا بر او باد.

بسیار اشک‌ریز و به‌شدت داغدار مصائب اهل بیت (علیهم السلام) بود؛ و در روز دهم محرم عمامه مبارکش را [از سر] برمی‌داشت و با وجود کهولت سن و سختی و بیماری‌های بسیار و ناتوانی بدنش - در تمام یا بیشتر ساعات بازخوانی ماجرای شهادت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و خاندان و یارانش ایستاده می‌ماند.

در خصوص نماز جمعه و نماز جماعت نیز رحمت خدا بر او - بسیار به اقامه نماز جماعت و برگزاری نماز جمعه و خطبه جمعه پایبند بود؛ و ما می‌دانستیم برای حضور و انجام این نماز - که گاه بیش از یک ساعت به طول می‌انجامید - چه اندازه سختی تحمل می‌کرد.

ما به‌خوبی از شدت بیماری و ناتوانی جسمی او آگاه بودیم، اما با این حال او پیوسته به خود سخت می‌گرفت و بارها و بارها خود را به زحمت می‌انداخت تا این آیین مقدس را به‌جا آورد و این طبیعتاً از تقوای او ناشی می‌شد؛ زیرا خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْكُمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (این است، و هرکس شعائر خدا را بزرگ بدارد، بی‌گمان این [بزرگداشت] از تقوای دل‌هاست). تصادفی نیست که انسانی با این سن و سال و با این همه بیماری، همچنان اصرار داشت نماز جماعت را برپا دارد، نماز جمعه را اقامه کند، در مجالس عزای اباعبدالله حسین حضور یابد، در جشن‌های ولادت امامان شرکت کند، و در دفتر مبارک حاضر شود و بر حضور در آن اشتیاق و تأکید داشته باشد.

اما درباره نیک‌سرشتی و گشاده‌دلی (سعه صدر) این سید پاک مقدس، سید حسن حنّامی دلی پاک و سینه‌ای گشاده داشت که همه را در بر می‌گرفت. هرگز از هم‌نشینی با مؤمنان،

گوش سپردن به سخنانشان، پرس‌وجو از احوالشان و تلاش برای حل مشکلاتشان ملول یا خسته یا آزرده نمی‌شد؛ بلکه با این کار انس می‌گرفت و هنگامی که در میان مؤمنان حضور می‌یافت چهره‌اش از شادی و سرور می‌درخشید، و حتی همواره می‌گفت: هنگامی که در میان مؤمنان حضور دارم سینه‌ام گشاده می‌شود، و بیماری و دردم کاهش می‌یابد؛ و می‌گفت: «این، دارو و درمان من است.»

یعنی گاهی که برای او خیرخواهی می‌کردیم و می‌گفتیم: سید ما، شما توانش را ندارید؛ باید استراحت کنید؛ می‌گفت: نه، مرا رها کنید؛ من وقتی در میان مؤمنان هستم، بیماری‌ام را فراموش می‌کنم و درد و رنجم سبک می‌شود. می‌گفت: «حال من بهتر می‌شود.» و با لهجه عراقی می‌گفت: «من وقتی میان انصار میام شفا می‌گیرم و حالم خوب میشه.»

او -رحمت خدا بر او- همواره مؤمنان را به سبب کم‌حضور بودنشان در مکتب مبارک یا مجالس حسینی یا نماز جمعه مورد عتاب قرار می‌داد. دوست داشت همه انصار، یا دست‌کم بیشترشان حضور داشته باشند؛ و با آن‌ها انس می‌گرفت؛ رحمت خدا بر او باد.

او -رحمت خدا بر او- در شبکه‌های اجتماعی برای همه انصار، یا برای همه کسانی که با آنان در ارتباط بود پیام‌هایی مانند «صبحتان به خیر»، «صبحتان به خیر و عافیت» یا اگر روز جمعه بود «جمعه مبارک» می‌فرستاد؛ پیام‌های تبریک و تهنیت؛ و همه انصار به این موضوع گواهی می‌دهند.

او رحمته الله در اوج اخلاق قرار داشت؛ در قلعه نیک‌سرشتی، سعه صدر، و مدارا با مردم قرار داشت؛ و حتی اگر از شخصی یا از موقعیتی خاص دلگیر می‌شد به سادگی عذرخواهی را می‌پذیرفت و از آن دلخوری می‌گذشت.

تواضع او

هرکس با سید حسن حمّامی معاشرت داشت می‌دید خُلق و رفتار او با کودک و جوان و کهنسال تفاوتی نداشت؛ با کودکی دو یا سه یا چهار یا پنج‌ساله همان‌گونه رفتار می‌کرد که با جوان، با همان توجه و همان اهتمام، و همه انصار بر این گواه‌اند؛ و بین طلبه حوزه و بقال و کشاورز هیچ تفاوتی نمی‌گذاشت؛ یعنی ... به یاد دارم پیش از آن‌که -خدا رحمتش کند- از دنیا برود، حدود سه روز قبل از وفاتش، او را به بیمارستان منتقل کردیم. گویی با سختی‌های مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کرد؛ بسیار رنجور و ناتوان بود، و با این حال از من درباره پدرم -خدا حفظش کند و عمرش را طولانی گرداند- می‌پرسید. میان آن دو رابطه بسیار خوبی بود؛ پدرم سید حسن حمّامی را بسیار بسیار دوست داشت و خبر وفات او برای پدرم و نیز برای مادرم بسیار سنگین بود؛ و سید حسن حمّامی نیز آنان را بسیار دوست می‌داشت. از من می‌پرسید «پدر چگونه» و مانند این‌ها... همچنین از من درباره برادرم مرحوم مرتضی عقیلی می‌پرسید. در آن هنگام تلفن همراه را جلوی باز کردم -من تصویر برادرم مرتضی (علیه السلام) را به عنوان پس زمینه گذاشته بودم- و او تصویر مرتضی را دید، و درحالی که خودش در حال دست‌وپنجه نرم کردن با بیماری بود و وضعیت جسمانی‌اش بسیار وخیم بود با لهجه عامیانه گفت: «خدایا، چه چشم‌های قشنگی داره». من به سبب وضعیت جسمانی بحرانی‌اش زیاد با او سخن نگفتم؛ فقط گفتم بله. گفت: «چند روز پیش تصویری از او منتشر کرده بودم، انگار تصویر امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود». آن‌گاه به چهره سید حسن حمّامی نگاه کردم و نتوانستم جلوی خودم را بگیرم و برای حالش گریه‌ام گرفت...

او در چنین حالی بود و این نکته قابل توجه است. و با این وجود احوال‌پرسی می‌کرد و می‌گفت: «حاجی چگونه ... برادرات چطورن... و از این قبیل»؛ درحالی که ما گاهی اگر مثلاً دچار سردرد یا تب شویم، دیگر میلی به صحبت کردن یا پرس‌وجو و احوال‌پرسی و این‌گونه کارها نداریم ... و انسان سرگردان می‌شود [یعنی به خودش مشغول می‌شود]؛ اما در آن حالی که گویی در سختی‌های واپسین جان دادن بود، او با ما شوخی می‌کرد و با ما ملاطفت داشت

و از احوال ما می‌پرسید و از حال پدرانمان و از برادرانمان جويا می‌شد... به عظمت این مرد نگاه کنید؛ رحمت خدا بر او باد، و خداوند مقامش را رفیع گرداند.

من کودکی چهار یا پنج‌ساله داشتم ... این کودک سید حسن را «جَدّو» صدا می‌کرد؛ یعنی پدر بزرگِ دوش. یعنی ببینید چگونه با پسر امین‌الله صحبت می‌کرد، گویی با خود من سخن می‌گفت؛ بدون هیچ تفاوتی. با کشاورز، با بقال، با انسان عادی غیر تحصیل کرده همان‌گونه سخن می‌گفت که با طلبه حوزه و با فرد دانشگاهی صحبت می‌کرد؛ روش گفتارش یکی بود؛ رحمت خدا بر او باد.

شجاعت سید حسن حمامی

من از سال ۲۰۱۳ به‌طور مستمر با سید حسن حمامی همراه بودم؛ زیرا کار ما در مکتب مبارک به‌صورت مستمر انجام می‌شد، و تا امروز تقریباً هشت سال، و پیش از آن نیز با او دیدار داشتم...

هرگز ندیدم سید حسن حمامی در موقعیت ترس، تردید یا هراس قرار بگیرد. ما همه همواره از او شجاعت و نیرو و استواری می‌گرفتیم. این را شهادت می‌دهم، نه به این دلیل که سید حسن حمامی از دنیا رفته است؛ نه، به خدا سوگند.

به یاد نمی‌آورم، و اکنون در ذهن و خاطراتم جست‌وجو می‌کنم، و به یاد نمی‌آورم او حتی یک روز چنین بوده باشد؛ بلکه من و بسیاری از مؤمنان سید حسن حمامی را زیر نظر داشتیم و مراقبش بودیم تا مبادا در رویارویی یا در سخن گفتن، بیش از حد تند و شدید عمل کند؛ و هرگز چنین نشد.

[پیوسته] بر نیرو و شجاعت و صلابت و صراحت او [بی‌پروایی در بیان حق] افزوده می‌شد و هرگز عقب‌نشینی نمی‌کرد، مگر آن‌گاه که از او می‌خواستیم و به او التماس می‌کردیم؛ تا جایی که کار به آنجا رسید که موضوع را به سید احمد الحسن رساندیم و ایشان به او فرمود:

۳۰..... انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - پرتوهایی از نور عارف، گزیده خطبه‌های سید حسن حمّامی

«به‌خاطر من، سعی کن برخی از این امور را رعایت کنی، برای حفظِ جانَت...» او شجاع و پیش‌قدم بود؛ رحمت خدا بر او باد.

من و به خدا پناه می‌برم از «من»- در همهٔ موقعیت‌ها، چه در مناظره‌ها و چه در گفت‌وگوها و چه مأموریت‌های مشخص، در شجاعت و دلگرمی و نیرو و بسیاری از اموری که انسان را برمی‌انگیزد، از سید حسن حمّامی کمک می‌گرفتم؛ یعنی حمایت و دعا و تشویق او عاملی بسیار نیرومند برای ما در رویارویی با مخالفان دعوت مبارک بود.

آن چهرهٔ همیشه خندان -حتی در سخت‌ترین شرایط- ما را دلگرم می‌کرد و می‌گفت: «جزاکم الله خیر»، «موفق و مسدّد و مؤیّد باشید.» هرگاه وارد مناظره‌ها یا گفت‌وگوها یا برخی سخنرانی‌های خاص می‌شدیم ما را می‌ستود و تشویق می‌کرد؛ می‌آمد و وضعیت را ارزیابی می‌کرد و می‌گفت: «آفرین»، «امروز درخشیدید.» او -رحمت خدا بر او باد- مثبت‌اندیش بود، و هرکس با او همراه می‌شد نیز این روحیهٔ مثبت را از او می‌گرفت.

تسلیم و فرمانبرداری او در برابر آنچه از محمد و آل محمد (علیهم السلام) روایت می‌شود

سید حسن حمّامی از همان ابتدا در پذیرفتن نصیحت تکبر نداشت، حتی از طرف کودکان و انصار حاضر با سنین گوناگون؛ و گمان می‌کنم امروز بسیاری به‌ویژه انصار عراق- این را می‌دانند که چه طلبهٔ جوان نزد او می‌آمد، چه طلبهٔ میان‌سال، چه طلبهٔ سال‌خورده، و چه انسانی که اصلاً طلبه نبود، یا حتی یک کودک... نصیحت را از طرف او می‌پذیرفت و با روی گشاده به او توجه می‌کرد. اما دربارهٔ اطاعت از سید احمد الحسن، حتی اگر اختلاف نظری هم پیش می‌آمد به‌محض آن‌که اسم احمد الحسن برده می‌شد همه‌چیز برای سید حسن حمّامی پایان می‌یافت؛ تمام می‌شد؛ شنیدن و اطاعت.

او دل‌بستگی شدیدی به سید احمد الحسن داشت و در برابر دستورها و رهنمودهایی که از سوی احمد الحسن می‌آمد کاملاً تسلیم بود. در هیچ مأموریتی -هر مأموریتی که از سوی احمد الحسن می‌رسید- برای خود رأی قائل نبود؛ سید حسن حمّامی هرگز درنگ نمی‌کرد و

نمی‌پرسید چرا یا چگونه و مانند این‌ها... فقط با قوّت به‌سوی اجرا پیش می‌رفت و تلاش می‌کرد دستورها و رهنمودهای سید احمد الحسن را دقیقاً و موبه‌مو اجرا کند، و در برابر سید احمد الحسن بسیار با حیا و فروتن بود...

هرگاه سید حسن حمای را در حسینیه‌ها یا مجالس یا در مکتب مبارک می‌دیدم، در دل می‌گفتم: خدایا، این هیبت و این شکوه و این مرد مبارک را برای ما پاینده گردان؛ زیرا جای او به‌آسانی پرشدنی نیست... یعنی او شمع بود... خورشیدی تابان... ماهی در میان انصار. باهیبت بود، باوقار بود، متواضع بود، عابد و زاهد بود، و همواره پاک و با طهارت بود.

به‌راستی سید حسن حمای از کسانی بود که انسان را به یاد «ایام الله» (روزهای خدا) می‌انداخت؛ یعنی هرکس با سید حسن حمای همراه می‌شد یا به سید حسن حمای می‌نگریست، به یاد روزهای خدا می‌افتاد؛ با سخنانش، با یاد خداوند سبحان و متعال، با عبادتش، با تهجدش، با دعاهایش و با زیارت‌های امامان علیهم‌السلام.

از این رو از شما می‌خواهم او را هنگام زیارت امامان علیهم‌السلام، با اهدای صلوات و ثواب نماز، با اهدای قرآن کریم، و با اهدای دعاهایتان از یاد نبرید.^۱

گوشه‌ای از سیره سید حسن حمای از زبان دکتر سید واثق الحسینی

سید حسن حمای را در ابتدای ورود به مکتب، در محلی دیدم که جای امانت‌داری تلفن‌های همراه و کیف‌ها و مانند آن بود؛ البته این صحنه برای من شوکه‌کننده نبود، چون تواضع سید حسن حمای را می‌شناختم، اما انتظار نداشتم تواضع او در این حد باشد، آن هم با این که او مدیر مکتب بود... مدیر مکتب با چنین سادگی در محل تحویل گرفتن تلفن‌های همراه می‌ایستاد.

۱. شیخ دکتر ناظم عقلی، با تغییراتی به‌منقل از پیام تسلیت با عنوان: «روشنگری از زندگی‌نامه سید طاهر مقدس حسن حمای»، که در روز جمعه ۲۰۲۱/۸/۶ ایراد شد. [مشاهده ویدیو](#)

۳۲..... انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - پرتوهایی از نور عارف، گزیده خطبه‌های سید حسن حمّامی

زندگی سید حسن حمّامی از یک سو سرشار از عبرت‌هاست، و از سوی دیگر آکنده از دشواری‌ها و رنج‌ها و کسی چون من نمی‌تواند همه آن‌ها را برشمارد... اما برخی از این خاطرات و موقعیت‌ها را بازگو می‌کنم.

زندگی اولیای الهی آکنده از مصیبت‌هاست

در سیره انبیا و اولیا شناخته شده است که دنیا با آنان همراه نیست؛ نه آسایش، نه مال، و نه دیگر امور دنیوی که برخی از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند.

در سخنی از سید احمد الحسن آمده است: «خدایا، هرکس را که در پی راحتی است از من دور گردان»؛ زیرا این دعوت آکنده از رنج‌ها و سختی‌هاست.

به‌طور معمول دعوت‌های انبیا با کمبود مال و یار و یاری‌گر همراه بوده است... تنگنای زندگی مادی. او بسیار رنج می‌کشید و حتی چند مرتبه از خود او شنیدم که این جمله را می‌گفت؛ می‌گفت: «من به سید احمد الحسن ایمان آوردم؛ اهل و عیال را جمع کردم و به آن‌ها گفتم: حالا مضمون سخن- زندگی ما از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر منتقل می‌شود. زندگی مرفه و هرچه می‌خواهید از اثاث و لباس و خوراک و نوشیدنی و تفریح و چیزهای دیگری که برایتان فراهم بود دیگر تمام شد. از این پس وارد دوران سخت دیگری خواهید شد که در آن رنج‌های بسیار خواهید کشید.... اما من، این زندگی من است؛ زندگی‌ام را وقف خدمت به سید احمد الحسن، و خدمت به این دعوت الهی کرده‌ام؛ و این مسیر همراه با احمد الحسن، سرشار از سختی‌ها و مشقت‌هاست...»

او می‌گفت- گاهی با من صحبت می‌کرد و می‌گفت- این دنیا حتی در حالش هم سختی و رنج دارد، یعنی... (سید واثق گریه می‌کند)

او سدی استوار بود

سید حسن حمای حقیقتاً سدی استوار در این دعوت، و به‌ویژه برای مکتب سید احمد الحسن (علیه السلام) بود. اسم او - فقط اسم او به‌تنهایی - کافی بود تا مدافع این دعوت باشد؛ از خانواده‌ای نجفی، خانواده‌ای علمی، و خودش نیز عالِم بود؛ او اسم و اعتبارش را به‌طور کامل وقف این دعوت کرد....

مدیریت سید حسن حمای

من با مؤسسات بسیاری زندگی کرده‌ام، و با دفاتر مراجع کار کرده‌ام؛ هرگز، هرگز، همچون سادگی سید حمای را درحالی که مسئولیت داشت ندیده‌ام؛ هرگز ندیده‌ام. هیچ‌گاه نگفت من مدیر مکتب هستم و اطاعت از من بر شما واجب است. هیچ روزی نشنیدم بگوید من اینجا مسئول هستم. هیچ روزی نشنیدم بگوید حرف من باید بر شما نافذ باشد؛ بلکه همیشه مشورت می‌گرفت: «راهنمایی‌ام کنید»، «نصیحتم کنید»، «نظر شما چیست؟»، «شما چه می‌گویید؟»

همیشه می‌گفت شما چه می‌گویید، و سپس تأیید می‌کرد؛ البته تصمیم مکتب، جز با موافقت و امضای مدیر تأیید و اجرایی نمی‌شود و از صلاحیت خروج و خطاب به مردم به‌عنوان یک تصمیم برخوردار نخواهد شد؛ اما مدیری با این میزان سادگی را کجا می‌توان یافت؟

او دلیل خواست

به‌عنوان فخری برای سید حمای همین بس که هنگامی که دعوت سید احمد الحسن را شنید از آنجا که عارف و عابد بود، نه از انصار پرسش کرد و نه از خود سید احمد الحسن درباره دلیل سؤال نمود؛ البته او دلیلی داشت که او را به این دعوت رساند؛ و طبیعتاً ما باید میان کسی که از سید احمد الحسن درباره دلیل نپرسید و کسی که بدون هیچ دلیلی ایمان آورد تفاوت قائل شویم. ما نمی‌گوییم سید حمای بدون دلیل ایمان آورد؛ قطعاً او با دلیلی

۳۴..... انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - پرتوهایی از نور عارف، گزیده خطبه‌های سید حسن حمّامی

ایمان آورد؛ اما سخن ما این است که وقتی با سید احمد الحسن دیدار کرد درباره دلیل سؤال نکرد.

سید حسن حمّامی عارف بود

این معرفت سید حسن حمّامی (رحمته الله) بود که او را شایسته گرداند تا خداوند برخی امور غیبی را برایش بگشاید. در طول ده سالی که با او بودم دیدم او به بسیاری از مؤمنان و مردمی که می آمدند، حتی میهمانان، از چیزهایی خبر می داد....

به او می گفت: «فلانی، آیا پیش از آمدنت فلان کار و فلان کار را انجام دادی؟»
او مرا از اموری غیبی خبر می داد که برایم رخ می داد یا انجامشان می دادم یا قصد داشتم انجامشان بدهم، و با بسیاری از انصار نیز چنین می کرد.

عبادت او

اما درباره عبادت سید حمّامی، او بسیار اهل نماز بود، بسیار ذکر خدا می گفت و بر قرائت قرآن مداومت داشت؛ و البته قرآن همیشه در جیبش بود، اینجا روی قلبش؛ همواره قرآن را در این جیب می گذاشت و بسیاری اوقات قرآن می خواند؛ و در همه کارهایش از خداوند سبحان استخاره می گرفت و می گفت: «من نمی خواهم به رأی خودم عمل کنم؛ از خداوند سبحان می پرسم و به رأی خدا عمل می کنم.»^۱

۱ سید واثق حسینی، با تغییراتی از مستند «العارف». [مشاهده ویدیو](#)

گوشه‌ای از سیره سید حسن حمای از زبان شیخ حبیب سعیدی

درباره تحمل پیامدهای ایمان سید حسن حمای به این دعوت مبارک، معمولاً بزرگ عشیره و افرادی که در مناطق خود وجهه و جایگاهی دارند حتی اگر بزرگ عشیره هم نباشند اما شأن و اعتبار اجتماعی داشته باشند می‌بینیم آن‌ها مرجع و تکیه‌گاه آن عشیره یا آن مردم می‌شوند و در نتیجه همه سرزنش‌ها متوجه همان شخص پیشرو می‌گردد. سید حسن حمای (خدا مقامش را رفیع گرداند) همه آنچه را داشت در راه قائم آل محمد ﷺ به کار گرفت؛ تا آنجا که ما این ویژگی را حتی در ظاهر او هم می‌دیدیم، حتی در چهره‌اش، حتی در آویختن حنک، حتی در آن قطعه‌ای که با عبارت «البيعة لله» روی لباسش نمایان بود. این ظاهر حال او بود، هرجا بود، همواره این چنین بود. همیشه اگر اتهامی نسبت به این دعوت مبارک یا نسبت به سید احمد الحسن مطرح می‌شد، فوراً متوجه این شخصی می‌گردید که پرچم‌دار و اعلام‌کننده بود. به سبب آن که او سید و عالم و وجیه (سرشناس) بود، همه کسانی که به عنوان مثال اشکال یا اتهام یا مشابه آن را نسبت به سید احمد الحسن در دل داشتند آن را متوجه سید حمای می‌کردند.

اما او یک بار این سخن را گفت؛ گفت: «می‌خواهند با من بر سر یاری احمد الحسن معامله کنند؛ پس من نیز گفتم همه چیز را فدا می‌کنم؛ مالم را، جایگاهم را، هرچه باشد فدا می‌کنم تا قائم یاری شود.»

شیوه مدیریت مکتب مبارک

درخصوص شیوه مدیریت سید حسن حمای، همین برای او بس که در درجه نخست او از سوی امام منصوب شده بود؛ پس او شایسته آن مدیریت بود و این برای مؤمنان به یمانی آل محمد کافی است؛ اما گاهی شهادتی هست که به حق او گواهی می‌دهد، یا نصی برای اوست، و گاهی دیگر این مسئله نیازمند موضعی می‌شود که حکمت انتخاب این انسان را برای مدیریت این مکتب مبارک روشن، و به آن دلالت کند.

مدیریت او واقعاً پدرانۀ بود و انصار به این موضوع گواهی می‌دهند. او خیمه‌ای برای همه بود و خود را به زحمت می‌انداخت تا احساسات مؤمنان را حتی با کمترین چیز جریحه‌دار نکند. بسیار دقیق و پرتلاش عمل می‌کرد و همواره سخن سید احمد الحسن را در ذهن داشت، به‌ویژه هنگامی که به مرحله‌ای می‌رسیدیم که دو طرف در برابر یکدیگر قرار می‌گرفتند و به‌عنوان مثال راه دیگری جز گذشت وجود نداشت. لازم به ذکر است حتی اگر سید حمّامی از حلّ قطعی یا سامان دادن این مأموریت ناتوان می‌ماند آن را با دعا درمان می‌کرد؛ و این طبیعتاً دلالت دارد بر این که او در همه روش‌ها و رفتارهایش به خداوند سبحان و متعال رجوع می‌کرد.

شجاعت سید حسن حمّامی

سید حسن حمّامی مواضع متعددی داشت؛ برای مثال، در کارزارهای تبلیغی که انجام می‌شد، و در آن روزگار ممکن بود او هدف قرار گیرد؛ زیرا شخصیت برجسته‌ای بود. با این حال در آن کارزار به‌صورت پنهانی یا با لباسی غیر از لباس حوزوی نمی‌آمد، بلکه با همان لباس خودش پیش‌قدم و در صف مقدم حاضر می‌شد و با صدای بلند ندا سر می‌داد؛ ... و هرگز در آشکار کردن خودش تردید نمی‌کرد.

آنچه من متوجه شدم این است که اگر سید حسن حمّامی از ابزارهای رسانه‌ای بیشتری نسبت به آنچه در اختیار داشت برخوردار بود، قطعاً از آن‌ها نیز استفاده می‌کرد؛ زیرا از هرآنچه در توانش بود بهره می‌گرفت تا اعلام کند یاریگر قائم آل محمد است.

حتی به یاد دارم در کارزاری که در ناصریه رخ داد پس از تصویربرداری و بعد از پایان آن، برادران فیلم را به سید احمد الحسن (علیه السلام) نشان دادند. سید حسن حمّامی شروع به فریاد زدن [برای تبلیغ] کرد، و هنگامی که سید احمد الحسن (علیه السلام) صدای او را شنید شروع به گریه کرد. و واقعاً وقتی آن صحنه را می‌بینی، از رفتار سید حسن حمّامی مو بر تنت سیخ می‌شود.

تواضع او

همیشه اگر چیزی نزد یکی از برادران انصار می‌شنید می‌گفت: «من می‌روم، من می‌روم.» حتی اگر شخص دیگری مقصر بود منظورم این است. حتی اگر آن شخص به سید حسن حمامی بدی کرده بود فوراً کنار می‌کشید، گویی خود او مقصر است؛ پس قضیه را به نفع دیگری جلوه می‌داد و انگار خودش خطاکار بوده است. مثلاً او را در قضایای متعددی می‌دیدم، حتی در مسائل عبادی یا مانند آن، که پیش قدم می‌شد... حتی اگر کودکی بود، دوست داشت او را جلو بیندازد و پشت سرش نماز بخواند، یا مثلاً بعد از او غذا بخورد، یا مثلاً بلند شود و آب بدهد و توزیع کند؛ و این کارها برای او امری طبیعی بود، اما اغلب برادران انصار که همچون فرزندان او بودند حضور داشتند و مانع او می‌شدند.

بخشش و سخاوت سید حسن حمامی

برخی از مردم نیازمند نزد او می‌آمدند، و فرقی نمی‌کرد مؤمن باشند یا حتی غیرمؤمن؛ او نخست هرچه خودش داشت می‌داد، سپس رو به برادران انصار می‌کرد و می‌گفت: «شما چه دارید؟ چه در اختیار دارید؟» ... خودش پیش می‌آمد و می‌پرسید: «چه کسی دارد؟ آیا می‌توانید کمک کنید؟ خدا جبرانش می‌کند»، «بدهید، خداوند عوضتان می‌دهد، فلان چیز را بدهید.»

مردی که جایگزین ندارد

بارها می‌شد در مکتب می‌نشستیم یا در جای دیگر- و این سخن را می‌گفتم، و من خودم بارها با همین معنا آن را به یاد می‌آورم؛ به‌ویژه سید واثق که می‌گفت: هیچ‌کس نمی‌تواند در این سطح جای سید حسن را پر کند.... و این مصداق حدیث است: «هرگاه مؤمن عالم از دنیا برود، در اسلام شکافی پدید می‌آید که تا روز قیامت چیزی آن را پر نمی‌کند.»

آن‌گونه که مضمون یک حکمت را به یاد دارم؛ حکمتی که از سید احمد الحسن (علیه السلام) به یاد

دارم که می‌فرمود «انصار مانند اعضای بدن هستند»؛ می‌فرمود «هر عضو بدن نقشی را ایفا می‌کند و هیچ عضو دیگری نمی‌تواند جای نقش آن عضو را پر کند. اگر انسان بینایی‌اش را از دست بدهد یا یکی از چشمانش را از دست بدهد چشم دیگر با این که باقی است، جای آن یکی را پر نمی‌کند... اما چرا؟ چون انسان یک مجموعه کامل است، پس باید با همه ابعاد و جنبه‌هایش موجود باشد». این سخن را با این مضمون - که درک کرده‌ام - به یاد می‌آورم؛ این که انصار نیز چنین‌اند، مانند اعضای بدن؛ اگر عضوی از دست برود جایگزین نمی‌شود، هرچند عضو دیگری نقشی ایفا کند اما جای آن نقش را پر نمی‌کند؛ یعنی جای آن را نمی‌گیرد. اما آنچه این مصیبت را آسان می‌کند سعادت او و شهادت خلیفه خدا درباره اوست، و این که به مرتبه‌ای والا دست یافت. ما خوشحالیم که او به این مرتبه رسید.^۱

۱. شیخ حبیب سعیدی، با تغییراتی به نقل از فیلم مستند «العارف»، [مشاهده ویدیو](#)



پرتوهای ایمانی معنوی

این فصل می‌پردازد به: گزیده‌هایی دربارهٔ رابطه با خداوند سبحان و همراهی با خلیفهٔ خدا، و تهذیبِ نفس و جهادی که این همراهی طلب می‌کند.

مداومت در استغفار

«و هرکس بر استغفار مداومت ورزد، و فقر و نیاز خود را به‌سوی خدا بسیار اظهار کند، از نیکان خواهد بود.»

سید حسن حمای رحمته‌الله، خطبهٔ دوم نماز جمعه، ۵ رجب، نجف اشرف

[مشاهدهٔ ویدیو](#)

۴۰..... انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - پرتوهای از نور عارف، گزیده خطبه‌های سید حسن حمّامی

از معصیت‌های خلوت‌ها دوری کنید

«از نافرمانی خدا در خلوت‌ها برحذر باشید، که خداوند آگاه و ناظر است؛ و کسی که در خلوت نافرمانی خدا کند تقوا ندارد.»

سید حسن حمّامی (رحمه الله)، نماز جمعه، ۱۹ جمادی‌الأول ۱۴۳۵، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

ظلم به خود

«بر مؤمن و مسلمان واجب است از ستم کردن به نفس خود با ارتکاب گناهان و بدی‌ها و آلوده شدن به معاصی و خطاها دوری کند.»

سید حسن حمّامی (رحمه الله)، خطبه اول نماز جمعه، ۵ رجب، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

به خودتان رحم کنید

«با تبلیغ دعوت خدا و دعوت رسولش به خودتان رحم کنید، آن‌گاه که امام، امر امت را بر یک مسیر واحد گرد می‌آورد؛ به خودتان رحم کنید پیش از آن‌که مورد حسابرسی قرار گیرید، زیرا امام با کارگزاران خود سخت‌گیر است.»

سید حسن حمّامی (رحمه الله)، نماز جمعه، ۲۴ جمادی‌الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

هرچه بکاری... آنجا درو می کنی

«ما از دنیا برحذر داشته شده ایم، اما دنیا سرای عمل است، سرای گذر به آخرت است؛ دنیا کشتزار است: هرچه اینجا بکاری، آنجا درو می کنی.»

سید حسن حمامی رحمته الله علیه، نماز جمعه، ۲۴/۱۱/۲۰۱۳، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

سخن معصوم کلیدهای قلب های شماست

«سخن معصوم و سید اوصیا امیرالمؤمنین علیه السلام از قلب مقدس و پاک او به گوش های شما می رسد؛ و گوش های شما - ان شاء الله - کلیدهایی گشوده برای گوش های دل هایتان باشد تا وحی امامت و سخنانی را که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید دریابید، تا در دل هایتان استقرار یابد، و در زندگی تان به آن عمل کنید.»

سید حسن حمامی رحمته الله علیه، نماز جمعه، ۲۴/۱۱/۲۰۱۳، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

رؤیای صادق، بهترین داستان هاست

«درباره کلمات امام (سلام خدا بر او)، قرآن از ما می خواهد به آن گوش فرا دهیم؛ و قرآن بهترین داستان هاست، و بهترین داستان ها رؤیای صادق است، همان گونه که خداوند در کتاب کریم خود فرموده است و محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خدا و اهل بیتش علیهم السلام فرموده اند: رؤیای صادق بهترین داستان هاست.»

سید حسن حمامی رحمته الله علیه، نماز جمعه، ۲۴/۱۱/۲۰۱۳، نجف اشرف

مشاهده ویدیو

به ریسمان استوار چنگ بزنی

«ناگزیر باید به طاغوت کفر ورزیده شود؛ زیرا هرکس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به ریسمان استوار (عروة الوثقی) تمسک بسته است؛ و عروة الوثقی، ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فرزندانش امامان و مهدیون است.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۱۹ جمادی الأول ۱۴۳۵، نجف اشرف

مشاهده ویدیو

بر دل‌هایی که قفل‌هایشان نهاده شده است

«خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایی که قفل‌هایشان نهاده شده است؟)، ﴿أَمْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (یا خدا بر دل‌هایشان مهر زده است، پس نمی‌فهمند)، ﴿أَمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾ (یا گفتند شنیدیم، درحالی که نمی‌شنوند).

«آن‌گاه که تبلیغ می‌کنی، شاید می‌بینی گوش‌هایشان را گشوده است، اما نمی‌شنود.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۴ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

مشاهده ویدیو

ظلم به امام، ظلم به خود است

«کسی که در حق امام خود با هوای نفس خود، یا با اجتهاد شخصی، یا با هوس، یا با وسوسه، یا با شک، یا با شرک شریک قرار دهد، او به خودش ستم کرده است.»

سید حسن حمامی رحمۃ اللہ علیہ، خطبہ اول نماز جمعه، ۵ رجب، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

سعادت‌مندی و کامیابی

«پس هرکس سعادت را می‌خواهد بداند سعادت در طاعت و عبادت است؛ این چنین است اخلاص و سجده برای ولیّ خدا؛ و هرکس کامیابی را می‌خواهد بداند کامیابی در خوش‌رفتاری و درستی و صلاح است.»

سید حسن حمامی رحمۃ اللہ علیہ، خطبہ دوم نماز جمعه، ۵ رجب، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)



بعد اعتقادی و تکلیف الهی

این فصل می‌پردازد به: گزیده‌هایی دربارهٔ تکلیف افراد جامعهٔ مؤمن به خلیفهٔ خداوند سبحان، و آنچه خلیفهٔ خدا از رویارویی با ظلم و ستم می‌بیند.

دعوت به یاری

«امت را به بازگشت به سوی خدا دعوت می‌کنیم؛ زیرا نجات در خدا و با خدا و از خداست؛ و نجات با حاکمیت خداست؛ و نجات با محمد ﷺ و آل محمد ﷺ و ولایت آنان و یاری آنان، و یاری قائمشان ﷺ است.»

سید حسن حمami رحمه الله، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهدهٔ ویدیو](#)

نجات شما در عمل است

«تبلیغ و عمل در پیشگاه قائم آل محمد (علیهم السلام) همان رستگاری در بهشت‌هاست. عمل کنید، عمل کنید، عمل کنید؛ که این مسابقه‌ای به‌سوی بهشت است، پس نجات شما در عمل است.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۱۹ جمادی‌الأول ۱۴۳۵، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

مانند راهبان نشوید

«مبادا همچون راهبان شویم که مردم را به حضور در کلیسا دعوت می‌کنند و پناه بر خدا از این تشبیه- سپس مردم در این دعوت حضور پیدا می‌کنند و چیزی از تورات و انجیل برای آنان خوانده می‌شود و پراکنده می‌شوند. شما اهل عمل هستید؛ شما اهل جهاد هستید.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۳/۱۲/۰۶، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

آراسته شدن به اخلاق وصیت

«شما انصار وصیت و وصایای امامان (علیهم السلام) هستید؛ آن‌ها را -هم در عمل و هم در گفتار- در سینه‌های خود حمل می‌کنید. حتی اگر آن‌ها را حفظ نکرده‌اید، [دست‌کم] در عمل نزد شما برپاست. به اخلاق وصیت و یاران وصیت آراسته شویم.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۳/۱۲/۰۶، نجف اشرف

مشاهده ویدیو

آیا حق امام را ادا کردی؟

«پس نفس خود را حسابرسی کن پیش از آن که حسابرسی شوی، و آن را وزن کن پیش از آن که جانهایتان در ترازوی حساب قرار گیرند. خودت را در ترازوی کتاب و عترت بگذار و حسابرسی کن؛ آیا حق امام را ادا کرده‌ای؟ و حق ایمان و اسلام را؟ و حق این مَت و نعمت کامل را؟»

سید حسن حمami رحمته الله علیه، نماز جمعه، ۱۹ جمادی الأول ۱۴۳۵، نجف اشرف

مشاهده ویدیو

زنده نگه داشتن جمعه

«لازم است جمعه را با دلایل امام و با دعوت امام و با اطاعت امام زنده نگه داریم، تا خودت دلیلی برای مردم باشی و حق از طریق آن شناخته شود.»

سید حسن حمami رحمته الله علیه، نماز جمعه، ۲۰۱۳/۱۲/۰۶، نجف اشرف

مشاهده ویدیو

سخنان و علوم قائم علیه السلام

«این همان زمان علی است که قطعی شده بود بیاید، و آمده است؛ و ما آموخته‌ایم نهج البلاغه و تفسیر "البرهان" و مانند آن‌ها را بخوانیم؛ اما دعوت و رهنمودهای بسیار مهمی که امام علیه السلام فرموده است باید برای ما به منزله یک قاعده باشد.»

سید حسن حمami رحمته الله علیه، نماز جمعه، ۲۰۱۳/۱۲/۰۶، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

حیرت در برابر علم امام

«کتاب امام (توهم بی‌خدایی) را می‌خوانند و در برابر آن دچار حیرت می‌شوند؛ پس گاهی آن را به دانشمندی دیگر نسبت می‌دهند که گویا آن را نوشته است، می‌گویند آن را از دیگران نقل کرده است، اما نمی‌توانند حتی با یک کلمه پاسخ دهند؛ فقط اتهام‌ها و شبهات.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۴ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

انتساب به امام زمان ما

«هرکس به یمانی منتسب شود "یمانی" است؛ و یمانی، سیدی از فرزندان فاطمه، از نسل حسین (علیه السلام) است؛ پس همه شما به سیادت و یمانی بودن او مشرف می‌شوید.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۱۷ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

پیروزی آشکار

«پس امام از ما پیروزی آشکاری بر شیطان و پیروان شیطان را می‌خواهد؛ همان کسانی که امام را رها کردند و در صحرایی سرگردان شدند که نه آبی در آن است و نه گیاهی.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۴ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

انتظار فرج

«سپاس خدا را که امت در انتظار فرج بود، و شمار زیادی از مردم به سبب سنگ مانعی که بر دهانه رود افتاد ناکام شدند؛ پس نه خود آب را می گیرد و نه می گذارد مردم بنوشند.»
سید حسن حمای (رحمة الله علیه)، نماز جمعه، ۲۰۱۳/۱۲/۰۶، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

امام پایه و اساس اسلام است

«به راستی امامت، پایه و اساس اسلام بالنده یعنی پایه و بنیاد است، و هر کس بدون امامت بنا کند، بر لبه پرتگاهی در حال فرو ریختن بنا کرده است.»
سید حسن حمای رحمة الله علیه، نماز جمعه، ۲۴ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

وضعیت تکرار می شود

«پس در برابر امام دچار سرگشتگی شدند، در حالی که امام در میان آنان بود؛ این وضعیت در هر زمان تکرار می شود: امام در میان ماست، اما ما به جای امامی که خدا او را منصوب کرده است امام دیگری را انتخاب می کنیم.»
سید حسن حمای رحمة الله علیه، نماز جمعه، ۲۴ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

جنگ شما با شیطان است

«امام می‌خواهد همه مردم را در طاعت خدا و در توحید او داخل کند و شیطان را ناکام گرداند؛ پس جنگ شما با شیطان است، و نبرد شما علیه شیطان، همان نبرد خدا با کافران و معاندان، آن یاران شیطان و حزب اوست.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۳/۱۲/۰۶، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

غربال و تسلیم

«غربالگری با مؤمنان انجام می‌شود و خداوند کافران را نابود می‌سازد؛ خدا کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند پالایش می‌کند و کافران را از بین می‌برد. پس این پالایش که در میان شماست، از یک سو غربالگری است و از سوی دیگر تسلیم؛ پس هرکس کار خود را به قائم آل محمد (علیه السلام) بسپارد و زمام خود را تسلیم او کند، اگر خدا بخواهد در دنیا و آخرت در امان خواهد بود.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۳/۱۲/۰۶، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

یمانی راه هدایت است

«فقط دو راه هست و سومی در میانشان نیست؛ یا بهشت یا دوزخ؛ یا یمانی یا شیطان؛ و سومی در کار نیست.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۴ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

مشاهده ویدیو

بیاموزید، عمل کنید، و اخلاص داشته باشید

«امام از ما عملی می‌خواهد که علم بر آن پیشی گرفته باشد؛ علم و عمل و اخلاص. بیاموزید و عمل کنید و اخلاص بورزید، و از خدا با دعا بخواهید در این روزها از بهره‌مندترین مردم باشید؛ ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾ (و پیشی‌گیرندگان، همان پیشی‌گیرندگان اند؛ * آنان مقربان اند).»

سید حسن حمami رحمته الله، خطبه اول نماز جمعه، ۵ رجب، نجف اشرف

مشاهده ویدیو

تشکر از تبلیغ‌کنندگان

«امامتان از همه مبلغان و عاملان و یاری‌دهندگان خود با زبان و دل و قلم و اندیشه، و ان شاء الله فردا با بنان (نیزه) - سپاسگزاری می‌کند.»

سید حسن حمami رحمته الله، نماز جمعه، ۱۷ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

مشاهده ویدیو

سستی‌کنندگان در تبلیغ

«برای سستی‌کنندگان و کسانی که تبلیغ نمی‌کنند و به این بسنده کرده‌اند که ایمان آورده‌اند دعا می‌کنیم؛ امام درباره آنان می‌فرماید به خودشان ستم کرده‌اند.»

سید حسن حمami رحمته الله، نماز جمعه، ۱۷ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

مشاهده ویدیو

انصار خدا

«آن‌ها پرچم حق (البیعة لله) را برمی‌افرازند و به دعوت حق فرامی‌خوانند؛ زیرا صاحب این دعوت به هدایت دعوت می‌کند، و او بر صراطی مستقیم است، بلکه خودش صراط مستقیم است.»

سید حسن حمّامی (رحمه الله)، خطبه اول نماز جمعه، ۵ رجب، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

خود را آماده کنید

«و شما تصویر قائم هستید؛ بنابراین از شما می‌خواهد در پیشگاه او با اخلاص و پاک‌دلی عمل کنید، تا پایه‌ای برای دولت عدل الهی باشید؛ آماده و مهیا شده از نظر نفسانی و اعتقادی و عملی، در پیشگاه او، صلوات پروردگارم بر او.»

سید حسن حمّامی (رحمه الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۳/۱۲/۰۶، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

آیا فردا سرتراشیده خواهیم بود؟^۱

«آیا در میان ما کسی هست که قائم آل محمد (علیهم السلام) را یاری کند؟ من نخستین شما هستم.... من نخستین کوتاهی کنندگانم و بیش از همه‌تان کوتاهی کرده‌ام. آیا اگر فردا امام امر بفرماید، سرتراشیده خواهیم بود؟ هرکس با دنیای خودش عذر می‌آورد.»

سید حسن حمای (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۳/۱۲/۰۶، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

به سوی او هجرت کنید

«پس به سوی او به سوی احمد هجرت کنید، و "من" و دنیا و گناه ننگین را رها سازید، و از شیطان و پیروان تبه‌کار و گناه‌پیشه‌اش دوری کنید.»

سید حسن حمای (رحمته الله)، خطبه اول نماز جمعه، ۵ رجب، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

۱. هل نغدو ملحقین: محققین کسانی‌اند که موهایشان را تراشیده‌اند، و از سر جدا کرده‌اند. و سید احمد الحسن به این مطلب اشاره کرده و فرموده است: «... و راه فتح مبین برای هر انسانی که بخواهد به سوی خدا با هدایت ولی خدا و حجتش بر خلقش سیر نماید باز است؛ مسجد الحرام همان ولی خداست و ان شاء الله مؤمنان با امنیت کامل و سرهای تراشیده وارد آن می‌شوند؛ یعنی هیچ‌گونه فکر و رأیی در برابر کلام ولی خدا نخواهند داشت، بلکه به‌طور کامل تسلیم او خواهند بود. اما مقصّرین، در مرتبه‌ای پایین‌تر از این مرتبه قرار دارند. موی سر، تمثیلی از افکار و نظرات انسان است؛ پس تراشیدن و کوتاه کردن آن یعنی تسلیم شدن و اطاعت کردن از کسی که به‌خاطر او فکر و نظر خودش را تراشیده یا کوتاه کرده است.» پاسخ‌های روشن‌گر: ج ۲، س ۵۲.



گزیده‌های اجتماعی

این فصل می‌پردازد به: گزیده‌هایی دربارهٔ مسئولیت مؤمن در برابر جامعه، و این که چگونه می‌تواند با اخلاق نیکو و همیاری اجتماعی- یاریگری برای خلیفه خدا باشد.

به رغم مشغولیت‌ها... به آن‌ها رسیدگی کن

«بهترین مراقبت را از کسانی که به تو سپرده شده‌اند انجام بده؛ تو مسئول رسیدگی به برادرانت هستی، به آن‌ها سر بزن. درست است کارهای زیادی داری و مسئول حوزه هستی، مسئول انصار هستی؛ به آن‌ها رسیدگی کن!»

سید حسن حمادی رحمته الله، نماز جمعه، ۲۰۱۳/۱۲/۰۶، نجف اشرف

[مشاهدهٔ ویدیو](#)

جویای حال برادرانتان شوید

«برادران انصار من، به برادرانتان سرکشی کنید؛ حال کسی را که حضور نداشته است
پرسید، با صلّه رحم به امام متصل شوید، و از بیمار عیادت کنید.»
سید حسن حمّامی (رحمّه الله)، نماز جمعه، ۱۷ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

مسئولیت اجتماعی

«زن بخشی از این جامعه‌ای است که کلی تجزیه‌ناپذیر محسوب می‌شود؛ و زن و مرد،
هرکدام مسئول هر انحرافی هستند که در جامعه رخ می‌دهد، پس برای هیچ‌یک از آنها
جایز نیست از مسئولیت خود شانه خالی کند.»
سید حسن حمّامی (رحمّه الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

به‌خاطر یتیمان و بیوه‌زنان

«دعوت امام برای یتیمان و بیوه‌زنانی برپا شد که تحت ستم بسیار رنج کشیدند؛ پس
صاحب عدل و احسان آمد تا آن [زمین] را سرشار از عدل و قسط کند؛ ان شاء الله.»
سید حسن حمّامی (رحمّه الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۳/۱۲/۰۶، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

سیره محمد و آل محمد ﷺ الگویی نیکوست

«ما شدیداً نیاز داریم در برخورد با دیگران -چه انصار باشند و چه مخالفان- از سیره نیکوی محمد و آل محمد ﷺ بسیار بهره بگیریم؛ تا مبادا گذر زمان بر ما طولانی شود و دل‌ها سخت و قسی گردد.»

سید حسن حمami رحمه الله، نماز جمعه، ۲۰۱۳، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

ظلم به حجت خدا

«واجب است از ستم کردن به خانواده و برادرانمان دوری کنیم، و بزرگ‌ترین این ستم‌ها، گناه ستم ما به ولی خدا و حجت اوست (سلام بر او)؛ زیرا این گناه، شرارت و شومی برای صاحبش به همراه دارد.»

سید حسن حمami رحمه الله، خطبه اول نماز جمعه، ۵ رجب، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)



گزیده‌هایی دربارهٔ زنان

این فصل می‌پردازد به: گزیده‌هایی دربارهٔ جایگاه زن در سایهٔ اسلام و نگاه آن به زن، و نیز بانوانی که شایسته است بشریت به مواضع جاودانهٔ آنان افتخار کند.

تفاوت

«زن و مرد به‌عنوان بدن جسمانی- از نظر فیزیولوژیکی با یکدیگر تفاوت دارند، اما از نظر روحی هیچ تفاوتی میانشان نیست؛ و تفاوتشان فقط در احکام است؛ و این تفاوت، وظایف اختصاصی هرکدام را مشخص می‌کند.»

سید حسن حمami رحمته‌الله، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهدهٔ ویدیو](#)

کار زن

«زن این حق را دارد که در هر حوزه‌ای وارد شود تا در ساختن رویدادها سهیم باشد، به شرط آن که وضعیت خاصی را که در آن زندگی می‌کند از یاد نبرد.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

حقوق زن

اسلام اصیل، حقوق زن را تضمین کرده است؛ چنان که حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (و برای آنان حقوقی همانند وظایفی است که بر عهده‌شان است، به گونه‌ای شایسته)، و این حق عمومی انسانی است که اسلام آن را تضمین می‌کند.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

وظایف و حقوق

«و وظایف مرد در برابر زن بیش از وظایف زن در برابر مرد است؛ زیرا زن عنصر ضعیف‌تر است، و دین اسلام حقوق ضعیفان را تا حدّ تقدیسان مورد توجه قرار می‌دهد.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

نگاه اسلام به زن

«نگاه فراگیر اسلام به زن، او را به سطحی برابر با مرد ارتقا می‌دهد؛ زیرا او هدف از آفرینش است، و خداوند عزوجل فرستادگانش را برای او می‌فرستد، و بهشت برای اوست، و زمین و خورشید و ماه و ستارگان برای اوست، و زندگی از آن اوست و بهشت زیر پای اوست.»

سید حسن حمami رحمته الله علیه، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهدهٔ ویدیو](#)

اسلام اولین مدافع زن

«پس دین حنیف اسلام نخستین مدافع زن است و به کسانی حمله می‌کند که مرد را بر زن برتری می‌دادند؛ کسانی که از تولد پسر شادمان می‌شدند و از تولد دختر احساس بدیمنی می‌کردند.»

سید حسن حمami رحمته الله علیه، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهدهٔ ویدیو](#)

علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام

«اما جهاد فاطمه علیها السلام کاملاً متواضعانه بود؛ زیرا روح حاکم بر بانو و گردانندهٔ خانه، روح تواضع و روح محبت و روح احترام متقابل میان زن و مرد است. هر دو مسئولیت خود را می‌شناختند و هر دو آن را بر عهده می‌گرفتند؛ پس نه مشکلی بود و نه نزاعی، زیرا آن دو صلوات خدا بر آن‌ها باد. انسان‌های عادی نبودند و عقلشان فراتر از سطح عقل‌های بشری بود؛ چراکه آن دو، دروازهٔ شهر علم ظاهر و باطن‌اند، و هر دو از رحمت خدا هستند؛ پس آن

دو، رحمان و رحیم اند.»^۱

سید حسن حمّامی (رحمه الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

زن در حکمرانی علی (علیه السلام) تحقیر نشد

«زن در دوران حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان حاکم عملی- به طور کامل از حقوق خود و آزادی مشروع انسانی اش و تمام کرامتش برخوردار بود، و تاریخ حتی یک حادثه را نیز ثبت نکرده است که امام (صلوات و سلام بر او و خاندانش) در آن زن را مورد اهانت قرار داده باشد.»

سید حسن حمّامی (رحمه الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

۱. اسم‌های سه گانه «الله، الرحمن و الرحیم»^۱ در لاهوت یا همان ذات اقدس الهی ارکان اسم اعظم اعظم (هو) هستند؛ و این اسم‌های سه گانه همان مدینه کمالات الهی یعنی الله هستند، که درب ظاهر (بیرون) و درب باطن (درون) آن الرحمن الرحیم است.

این نام‌های سه گانه در خلق، محمد (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (علیها السلام) هستند؛ یعنی مدینه علم (شهر دانش) محمد (صلی الله علیه و آله) و درب ظاهر و باطن آن علی و فاطمه (علیها السلام) هستند.

این نام‌های سه گانه ارکان اسم اعظم اعظم (الله الرحمن الرحیم) هستند: ﴿قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ (بگو خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید برای او نام‌های نیکوست).

این نام‌های سه گانه یعنی «محمد، علی و فاطمه» خود اسم اعظم هستند؛ پس محمد (صلی الله علیه و آله) از خداست و او کتاب خداست، بلکه او خدای در خلق است؛ و علی و فاطمه از رحمت خداوند هستند؛ پس آن‌ها الرحمن الرحیم هستند:

﴿وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾ (و از رحمت خویش به آن‌ها ارزانی داشتیم و برای آن‌ها زبان نیکوی بلندمرتبه قرار دادیم) ... (متشابهات، سید احمد الحسن: ج ۱، س ۵. برای توضیحات بیشتر به انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) مراجعه کنید).

به این دلیل علی (علیه السلام) با فاطمه (علیها السلام) ازدواج کرد

«آن‌گاه که بانو فاطمه دختر پیامبر محمد (صلی الله علیه و آله) را خواستگاری کرد، او را به‌عنوان نجیب‌ترین دختر خواست؛ و در دل او جز شجاعت فاطمه، عفت فاطمه، ایمان فاطمه و روحیه فاطمه، و این‌که مادر پدرش بود چیزی نبود؛ از این‌رو علی (علیه السلام) با مهریه‌ای ساده با او (علیها السلام) ازدواج کرد.»

سید حسن حمami (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهدهٔ ویدیو](#)

حق خوش رفتاری

«ای برادر مؤمنِ یاور آل محمد (صلی الله علیه و آله)، حقوق زن بسیار است؛ از جمله، به‌عنوان مثال... حق خوش رفتاری [در زندگی مشترک].»

سید حسن حمami (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهدهٔ ویدیو](#)

ام‌البین، افتخاری برای زنان

«پس ام‌البین مایهٔ افتخاری برای زنان و الگویی برای مادران بود؛ سلام خدا بر او، روزی که زاده شد و روزی که با امیرالمؤمنین (علیه السلام) ازدواج کرد و آن قمرهای شهید را به دنیا آورد. پس سلام خدا بر او، روزی که مسموم به شهادت رسید، و روزی که زنده برانگیخته می‌شود، به‌سوی بهشت‌های جاودان و نعمت کامل. خداوند زیارت او را در دنیا روزی ما گرداند، و زیارت فرزندان پاکش و شفاعت آنان را در آخرت.»

سید حسن حمami (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

خوشا به حال ام‌البنین

«پس خوشا به حال بانوی ما ام‌البنین به مناسبت یادبود شهادتش؛ زیرا در روایت آمده است او مسموم از دنیا رفت. تاریخ زندگی او را مطالعه کنید؛ او از اهل بیت (علیهم السلام) بود؛ و هیچ‌یک از ما نیست مگر آن‌که مسموم یا کشته می‌شود.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)



گزیده‌هایی از ارشادات تربیتی

این فصل می‌پردازد به: ارشادات و راهنمایی‌های تربیتی ارزشمند دربارهٔ سلوک و عبادات، و پندهایی برگرفته از سیرهٔ عطرآگین سروران خلاق.

دعوت به مطالعه

«ما مردم را دعوت می‌کنیم به کتاب‌های امام بازگردند و آن‌ها را بخوانند - همچنین کتاب‌های انصار پاک را- تا حق را از باطل تمییز دهند. این زمان، زمان پالایش و تمییز است؛ پس چرا این‌قدر در باطل فرو می‌روند.»

سید حسن حمami رحمته الله علیه، نماز جمعه، ۲۰۱۹/۰۲/۲۲، نجف اشرف

[مشاهدهٔ ویدیو](#)

ماه رجب الحرام

«قدر این ماه حرام را بشناسید و آن را بزرگ بدانید؛ زیرا این از دین قیّم (استوار) است، و دین قیّم همان دین مستقیم است که در آن نه کجی هست و نه گمراهی و نه انحراف.»

سید حسن حمّامی (رحمه الله)، خطبه اول نماز جمعه، ۵ رجب، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

ولادت زهرا و مظلومیتش

«مؤمنان باید شادی‌های خود را به مناسبت ولادت زهرا (علیها السلام) برپا کنند و مظلومیت او را بیان نمایند.»

سید حسن حمّامی (رحمه الله)، نماز جمعه، ۱۷ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

امام هادی (علیه السلام) تربیت‌کننده امت

«امام علی الهادی (علیه السلام) جان‌های شیعیان و مؤمنان را چنان پرورش داد که توان عبور از محنت‌ها و سختی‌ها را داشته باشند؛ پس او (علیه السلام) تربیت‌کننده امت، از جهت تهذیب و سامان‌دهی بود.»

سید حسن حمّامی (رحمه الله)، خطبه دوم نماز جمعه، ۵ رجب، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

سازندگی معنوی به دست امام هادی (علیه السلام)

«امام هادی (سلام خدا بر او) برای ساخت معنوی جامعه به ابزارهای بسیاری تکیه داشت؛ از جمله نامه‌های مکتوب، و پیوند دادن مردم با معصومان (علیهم السلام) از طریق پدیده زیارت؛ چنان‌که زیارت جامعه و زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز غدیر و زیارت‌های متعددی برای امامان (علیهم السلام) از سوی ایشان صادر شد.»

سید حسن حمami (رحمة الله علیه)، خطبه دوم نماز جمعه، ۵ رجب، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

به خدا پناه ببرید

«پس همواره به خدا پناه ببرید؛ دژ خود را خداوند سبحان و متعال قرار دهید، از خدا بخواهید پناهگاه و دژ استوار و مأمّن شما در برابر نیرنگ شیاطین باشد. اگر به خدا پناه نبرید، پس به چه کسی پناه خواهید برد؟!»

سید حسن حمami (رحمة الله علیه)، خطبه اول نماز جمعه، ۵ رجب، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)



گزیده‌های پایانی

این فصل می‌پردازد به: گزیده‌هایی درباره رستگاری با ولایت ائمه طاهر و مهدیون (علیهم‌السلام) و دعا برای ثبات قدم.

شما پیروزید

«امتحان کنید و بگویید «یا احمد»، و شما پیروز خواهید بود؛ زیرا او همان علی وعده داده شده‌ای است که قرار بود بیاید، و آمده است؛ پس منتظر چه هستید؟»

سید حسن حمای رحمته‌الله، نماز جمعه، ۱۷ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

۷۰..... انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - پرتوهایی از نور عارف، گزیده خطبه‌های سید حسن حمّامی

ثبات قدم برای شیعیان زهرا (علیها السلام)

«خدایا ما را از شیعیان زهرا (علیها السلام) و پدرش، و شیعیان همسرش و فرزندان، و شیعیان آن سرّ به ودیعت نهاده‌شده در او - احمد الحسن (علیه السلام) قرار بده و شیعیان فرزندان مهدی (علیه السلام) قرار بده.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۱۷ جمادی الآخر ۱۴۳۵، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

بر طریق احمد

«خدایا ما را بر طریق احمد، عمل‌کننده و رهرو قرار بده؛ خدایا ما را با دیگران جایگزین مکن که جایگزین کردن ما با غیر ما برای تو آسان است، اما برای ما بسیار سنگین است.»

سید حسن حمّامی (رحمته الله)، نماز جمعه، ۲۰۱۳/۱۲/۰۶، نجف اشرف

[مشاهده ویدیو](#)

* * *

به یاری خدا به پایان رسید